

نامه پارسی، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۲  
ویژه‌نامه چهارمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی  
۲۸-۳۰ مهرماه ۱۳۸۲ - تهران

## ایران‌شناسی در امریکا: گذشته‌ای محدود ولی پر بار، آینده‌ای ناروشن، و راهکارهای نوین

کامران تلتف<sup>۱</sup>

لودویگ ادیمک<sup>۲</sup> استاد ایران‌شناسی بخش یا گروه مطالعات خاور نزدیک دانشگاه آریزونا در شهر توسان، هنوز هم در سن هشتاد سالگی به روال روزهایی که به تدریس اشتغال داشت، به سرکار می‌آید و پژوهش‌هایش را در زمینه‌های گوناگون ادامه می‌دهد. این در حالی است که وی بیش از ده سال دیرتر خود را بازنشسته کرده است. این ایران‌شناس اتریشی تبار دکترایش را در سال ۱۹۶۶ م از دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس یو.سی.ال.ای دریافت کرد و از سال بعد در دانشگاه آریزونا استخدام شد.<sup>۳</sup> ادیمک تا کنون ۲۸ جلد کتاب و مقالات بسیاری منتشر کرده است. تحقیقات عمده وی بر روی تاریخ و فرهنگ فلات ایران، به ویژه منطقه افغانستان، متمرکز بوده است. او هم‌اکنون با همسر افغانی خود در خانه کوچکی در شهر توسان زندگی می‌کند و هنوز هم فعالانه، علی‌رغم جدالش با سرطان

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آریزونا، امریکا.

2. Ludwig Adamec

۳. از جمله معلمان ادیمک در دانشگاه کالیفرنیا آن زمان می‌توان از رندلف گلپکی، ژان آباين، و امین بنانی نام

پوست، در این سن بالا ارتباط خود را با دنیای آکادمیک حفظ کرده است.

شاید بتوان گفت که از یک نظر، کارهای ادیمک ادامه رندی است که از قرن هفدهم میلادی در اروپا آغاز شد. در آن زمان محققان اروپایی به مطالعه پرسیا (نام پیشین ایران در مجامع بین‌المللی) علاقه‌مند شدند و بزودی کرسی‌های مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها تأسیس شدند و تعداد کتاب‌ها و مطالب چاپی و خطی به زبان فارسی، و نیز آثار هنری ایران در کتابخانه‌ها رو به افزایش گذاشت. علاقه‌مندی آنان همراه با نوعی احترام ویژه برای زبان و فرهنگ و ادیان ایرانی و نوعی ایدئولوژی همراه بود که ایران را در شکل‌گیری فرهنگ غرب سهم می‌دانست.<sup>۱</sup> برگردان آثار بزرگ فارسی به زبان‌های اروپایی از جمله تلاش‌های ارزنده‌ای بود که آنان با پرکاری بسیار به انجام رساندند. چندان از برپایی این رشته نوین نگذشته بود که پژوهشگران برجسته‌ای پا به عرصه وجود گذاشتند که در نهایت توانستند درکی عمیق از فرهنگ ایران، ادبیات فارسی، و تاریخ ایران باستان ارائه دهند. البته ایران‌شناسی در امریکا این قدمت را ندارد و از طرف دیگر نیز می‌توان گفت که در مجموع امریکاییان به ایران باستان و رشته‌هایی از قبیل تاریخ زبان و واژه‌شناسی، که از ابتدا در اروپا مدنظر بودند، کمتر پرداخته‌اند. اما ایران‌شناسی در ابتدای معرفی‌اش به جامعه دانشگاهی امریکا، همان کشش و جاذبه‌ای را که برای اروپاییان داشت در بین استادان و ایران‌شناسان امریکایی نیز به وجود آورد. از جمله کسانی که در سال‌های گذشته با تدریس و یا با پژوهش در ایران به گنجینه دانش ایران‌شناسی افزوده‌اند، می‌توان تنی چند را نام برد که کارشان در تأسیس این رشته سازنده بوده است: ریچارد اتینگهاوزن در دانشگاه نیویورک، گوستاو وان گرونه‌بام و رندلف گلپکی در دانشگاه کالیفرنیا، مارتین دیکسن در پرینستون، باستان‌شناسان دانشگاه شیکاگو به رهبری جمیز بریستد، و آن‌ماری شیمل، هنگامی که در هاروارد تدریس می‌کرد.

در مقطعی از تاریخ امریکا نیازهای سیاست خارجی کشور ممکن است محرک و انگیزه اصلی برای انکشاف مطالعات مربوط به ایران را فراهم کرده باشد، همان‌طور که در اروپا از

۱. برای اطلاع بیشتر در این مورد به نشریه مطالعات ایران‌شناسی شماره ویژه زیر و مقدمه نیکی کدی در آن رجوع کنید:

Nikki Keddie, "Introduction and Notes on Contributors" *Iranian Studies* (Special issue on *Iranian Studies in Europe and Japan*, edited by Rudi Matthee and Nikke Keddie) V. 1. xx. No. 2-4, i-vii.

قرن‌ها پیش این‌گونه بوده است. به دیگر سخن، ممکن است روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و نظامی تا حدی در تعیین اولویت‌های مطالعات ایرانی اثر گذاشته باشند، اما در طولانی‌مدت، همیشه این نیازهای آکادمیک، تئوریک، و شخصی بوده که به تداوم ایران‌شناسی کمک کرده‌اند. باید افزود که ایران‌شناسی در امریکا همیشه جزو گروه‌ها یا بخش‌های مطالعات خاور نزدیک یا مطالعات خاورمیانه بوده است. می‌توان گفت که واژه ایران‌شناسی در امریکا به مرور زمان منسوخ شده است و اکنون پژوهشگر مسائل ایران خود را با رشته تخصصی‌اش معرفی می‌کند و برای مثال خود را جامعه‌شناس، مردم‌شناس، یا زبان‌شناس می‌نامد و نه ایران‌شناس. یکی از دلایل احتراز از کاربرد واژه ایران‌شناسی و از کار افتادن، آن همین تمایل به معرفی رشته تخصصی است. دو دیگر این‌که نبود یک گروه مستقل ایران‌شناسی و وابستگی افراد به گروه‌های تخصصی، نیاز به واژه ایران‌شناسی را بیشتر از میان برده است. اما در عین حال نظرات ادوارد سعید هم در محبوب نبودن این واژه بی‌تأثیر نبوده است. وی با حمله‌های خود به شرق‌شناسان سده‌های گذشته در واقع نفوذی زیادی در تمامی رشته‌های مطالعات خاورمیانه‌شناسی به دست آورد تا آن‌جا که برخی از پیروان وی تمایل دارند دستاوردهای ارزنده شرق‌شناسان گذشته را هم نادیده بگیرند و به‌طور کلی با یک نظر غیرانتقادی با فرهنگ، تمدن، و سیاست دولت‌های خاورمیانه‌ای برخورد کنند. این نوع برخورد خوشبختانه کمتر در مورد ایران دیده می‌شود، اما به‌طور کلی به نظر می‌رسد یک نوع «اختناق» دست‌چپی در این رشته مطالعات خاورمیانه ایجاد شده است که برخورد انتقادی با مسائل منطقه را کمی دشوار کرده است، چراکه با انجام چنین کاری پژوهشگر ممکن است به «شرق‌شناسی» متهم گردد. علاوه بر نظرات ادوارد سعید درباره شرق‌شناسان، شیوع نظرات اغلب غیرمنطقی پسامدرن، که هرگونه عقب‌ماندگی و مشکلات فرهنگی را تا حدی طبیعی می‌دانند، نیز در بروز این دیدگاه‌های غیرانتقادی اثر گذاشته است.

به هر حال سرزمین‌هایی که در بخش‌ها یا گروه‌های مطالعات خاورمیانه مطالعه می‌شوند، منطقه وسیعی از شمال آفریقا تا افغانستان در آن سوی خاورمیانه و این سال‌های اخیر برخی از مناطق آسیای میانه را در بر می‌گیرند. در این گروه‌ها دانشجویان می‌توانند موضوعات گوناگونی از جمله زبان‌های عربی، عبری، فارسی، ترکی، و در مواردی کردی، پهلوی و سایر زبان‌های زنده یا باستان این مناطق را بخوانند و ادبیات، فرهنگ، باستان‌شناسی،

زبان‌شناسی، و تاریخ این نواحی را مطالعه کنند. هنگامی که یک گروه درس‌های مربوط به دوران پیش از مسیحیت را ارائه می‌کند، تمایل بر این است که به جای «مطالعات خاورمیانه» بدان «مطالعات خاور نزدیک» اطلاق شود. معمولاً برای گرفتن مدرک دکتری در هر کدام از رشته‌های مطالعات خاورمیانه، دانشجوی موظف است علاوه بر گذراندن درس‌های تخصصی و یک دوره از درس‌های روش‌شناسی، دو زبان خاورمیانه‌ای، که یکی از آن‌ها زبان تخصصی دانشجوی به حساب می‌آید، و دو زبان اروپایی (علاوه بر انگلیسی) را نیز بگذراند.<sup>۱</sup>

و اما در مورد زبان فارسی در دانشگاه آریزونا. قبل از آمدن ادیمک، در این دانشگاه زبان فارسی تدریس نمی‌شد. بخشی هم که وی در آن استخدام شد در واقع گروه شرق‌شناسی نام داشت و در آن‌جا همراه با زبان‌های شرق آسیا، عربی هم ارائه می‌شد. ادیمک نخستین کسی بود که تدریس فارسی را در آن گروه آغاز کرد و چند سالی در کلاس‌های کوچکش به تعدادی دانشجوی فارسی آموخت. پس از مدتی وی مسئولیت «مرکز مطالعات خاورمیانه»<sup>۲</sup> را عهده‌دار شد که افتخار بر پایی‌اش را داشت و در نتیجه فرصت کافی برای آموزش فارسی برایش نماند. اما بزودی ریچارد ایتون، تاریخ‌شناس مشهور و برجسته‌ای که تخصصش تاریخ هند فارسی زبان است، آموزش کلاس‌های فارسی را از سر گرفت. از آن زمان تاکنون چند استاد دیگر مسئولیت زبان فارسی را برعهده داشته‌اند و از هنگامی که گروه مطالعات خاور نزدیک از دل گروه شرق‌شناسی بیرون آمد، زبان فارسی — در کنار عربی، ترکی، و عبری — یکی از چهار زبان رسمی بخش جدید محسوب شد.

دگرگونی عمده‌ای که از زمان استخدام ادیمک تاکنون در گروه‌های مطالعات خاور نزدیک دانشگاه‌های مختلف امریکا صورت گرفته، این است که به جای تاریخ‌دانان یا

۱. هر یک از این زبان‌ها معمولاً شامل دو سال آموزش (یعنی چهار درس در طی چهار نیمسال تحصیلی) هستند. این درس‌ها هفته‌ای چهار یا پنج ساعت کلاس دارند. زبان دوم خاورمیانه برای پژوهش در منابع دست اول و دو زبان اروپایی به منظور دسترسی به منابع و تحقیقات انجام شده در سایر زبان‌های اروپایی است. برخی از دانشگاه‌ها تنها فراگیری یک زبان اروپایی را، غیر از انگلیسی که زبان رسمی دانشگاه‌هاست، اجباری می‌دانند. ناگفته نماند که در دانشگاه‌هایی هم که برنامه منظم مطالعات خاور نزدیک، فارسی، و ایران‌شناسی ارائه نمی‌شود، اغلب درس‌هایی درباره ایران وجود دارد.

۲. این مراکز مطالعات خاورمیانه بیشتر در دهه هفتاد میلادی، با بورس‌های دولتی، در چندین دانشگاه امریکا دایر گشتند. کار اصلی آنان حمایت از نظام آموزش در گروه‌های مطالعات خاور نزدیک، کمک به آموزش زبان‌های خاورمیانه، و نیز بالابردن سطح آگاهی عمومی درباره فرهنگ خاورمیانه در دانشگاه و شهرهای اطراف دانشگاه است. هر سه سال یک بار این مراکز برای گرفتن بودجه باستانی درخواست‌نامه‌ای تقدیم کنند و در واقع وارد رقابت گردند.

اسلام‌شناسان، اکنون استادان ادبیات فارسی یا فرهنگ ایران آموزش این زبان را به عهده گرفته‌اند. به دیگر سخن، ایران‌شناسی به‌عنوان بخشی از مطالعات خاور نزدیک یا خاورمیانه، در دوران کنونی به جای تمرکز بر روی تاریخ یا معماری یا اسلام‌شناسی، بیشتر به آموزش زبان و ادبیات گرایش پیدا کرده است که این نیز به منسوخ شدن اصطلاح «ایران‌شناسی» کمک کرده است. اما در همین دانشگاه آریزونا یک مردم‌شناس، یک جغرافیدان، و نیز یک زبان‌شناس نیز مشغول کار هستند که علاوه بر درس‌های رشته‌های گوناگون ایران‌شناسی، به تدریس سایر مواد عام و خاص مربوط به خاورمیانه نیز می‌پردازند. در سال جاری بیش از پنجاه نفر در کلاس‌های زبان فارسی یا سایر درس‌های مربوط به ایران ثبت نام کرده‌اند.

زندگینامه علمی ادیمک و داستان دگرگونی‌های گروه مطالعات خاور نزدیک دانشگاه آریزونا، کم و بیش در مورد سایر ایران‌شناسان و ایران‌شناسی در دیگر دانشگاه‌ها نیز صدق می‌کند و می‌توان گفت که هم اکنون کار تدریس زبان یا سرپرستی امور مربوط به آموزش زبان فارسی در گروه‌های مطالعات خاور نزدیک دانشگاه‌های عمده آمریکا بر عهده پژوهشگران رشته‌های ادبی یا فرهنگی است. نمونه‌های بارز این پژوهشگران عبارت‌اند از احمد کریمی حکاک در دانشگاه واشنگتن، حشمت مؤید در شبکاگو، محمدرضا قانون‌پرور و مایکل هیلمن در تگزاس، فرانکلین لوئیس در اموری، پیتر چلکوفسکی در نیویورک، شاه ولی در برکلی، کامران تطف در آریزونا، ویلر تکستن در هاروارد، و تا همین اواخر احسان یارشاطر در کلمبیا، جروم کلیتون در پرینستن، و امین بنانی در کالیفرنیا. همگی این‌ها در رشته ادبیات فارسی یا ادبیات تطبیقی مشغول به کار بوده یا هستند.

همان‌طور که اشاره شد از جمله دلایل این دگرگونی‌ها آن است که در دانشگاه‌های آمریکا تا همین سال‌های اخیر دانشجویان داوطلب رشته ایران‌شناسی به بخش‌ها یا گروه‌های مطالعات خاور نزدیک یا مطالعات خاورمیانه رجوع می‌کردند و در آن‌جا به فراگیری نه تنها زبان، بلکه تاریخ، ادبیات، جغرافیا، سیاست، یا فرهنگ ایران می‌پرداختند. اما اکنون، و با گذشت زمان و همراه با تخصصی‌تر شدن مباحث علوم اجتماعی و انسانی، کم‌کم بسیاری از کسانی که قصد پژوهش درباره مسائل ایران در رشته‌های علوم اجتماعی یا انسانی را دارند، به سوی آموزش در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی مورد علاقه خود به دیگر بخش‌ها و گروه‌های دانشگاهی نیز روی می‌آورند. بنابراین از یک جهت آموزش در گروه مطالعات خاور نزدیک، به گونه‌ای روز افزون، بر زبان و ادبیات و فرهنگ ایران، که در بخش‌های

دیگر تدریس نمی‌شوند، تأکید ورزیده و از طرف دیگر دامنهٔ ایران‌شناسی، به معنای عامش، در مجموع از نظر تنوع رشته‌ها تا حدی گسترش یافته است. این روند البته در مورد برنامه‌های آموزشی زبان و ادبیات عربی و ترکی و در برخی موارد زبان و ادبیات عبری به عنوان سایر زبان‌ها و ادبیات مهم خاورمیانه نیز قابل مشاهده است. بدین صورت است که گروه‌های مطالعات خاور نزدیک به نوعی به بخش‌های مطالعات فرهنگ و ادب و تمدن تبدیل گشته‌اند. بنابراین هنگامی که از ایران‌شناسی، به معنای عام آن در امریکا و بی‌توجه به نظریات ادوارد سعید در مورد شرق‌شناسی، سخن می‌گوییم، باید در نظر داشت که بایستی حاصل پژوهش‌ها و مطالعات کسانی را هم به حساب آوریم که در خارج از گروه‌های مطالعات خاور نزدیک یا خاورمیانه در رشته‌هایی از قبیل تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، اسلام‌شناسی، و غیره کار می‌کنند.

در حال حاضر از تعداد دانشگاه‌های امریکایی که می‌توانند در سطح پیشرفته به آموزش زبان فارسی پردازند، و از توانایی‌های آموزشی، اطلاع موثقی در دست نیست. بیش از ۳۵ دانشگاه، که اکثراً یا خصوصی هستند یا دانشگاه‌های ایالتی معتبر، از فارسی به عنوان زبانی که در آن‌جا آموزش داده می‌شود نام می‌برند، اما آشکار نیست که آیا همهٔ آن‌ها به طور مرتب درس فارسی را در برنامه آموزشی خود می‌گنجانند یا خیر. شاید بتوان گفت که حدود بیست دانشگاه برنامه فارسی مرتب دارند؛ بیشتر این دانشگاه‌ها به تربیت دانشجو برای انجام طرح‌های تحقیقاتی می‌پردازند و کمتر ورود به بازار کار را مد نظر قرار می‌دهند. از دانشگاه‌هایی که درجه تخصصی در یکی از رشته‌های ایران‌شناسی را (اعم از ادبیات فارسی یا تاریخ ایران) ارائه می‌دهند، دانشگاه‌های آریزونا، ایالتی اهایو، اموری، پرینستن، پنسیلوانیا، تگزاس در آستین، شیکاگو، میشیگان، کالیفرنیا در برکلی، کالیفرنیا در لس آنجلس، کلمبیا، نیویورک، واشنگتن در سیاتل، ویرجینیا، و هاروارد را می‌توان نام برد. در این دانشگاه‌ها دانشجویان می‌توانند نسبت به اخذ مدارک تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد، یا دکتری در یکی از رشته‌های ایران‌شناسی اقدام کنند. در تمام این موارد دانشجویان متقاضی این مراتب، بایستی تعدادی درس عمومی - معمولاً شامل تاریخ خاور میانه، تاریخ اسلام، یک یا دو زبان از خاورمیانه، و یک یا دو زبان اروپایی (علاوه بر انگلیسی) برای ازدیاد توانایی‌های تحقیقی - را بگذرانند. دروس تخصصی در مورد ایران‌شناسی بستگی دارد به تمرکز دانشجو بر یکی از جنبه‌های ادبیات یا فرهنگ، و در برخی از دانشگاه‌ها به مقطع تاریخی خاص مورد نظر دانشجو. این درس‌های تخصصی

معمولاً عبارت‌اند از فارسی در سطح ابتدایی، متوسطه، پیشرفته، تاریخ ایران، تاریخ ایران باستان، زبان‌شناسی فارسی، ادبیات نوین، ادبیات کلاسیک، ادبیات فارسی (به انگلیسی)، فارسی باستان، فارسی میانه، تاریخ هنر ایران اسلامی، و درس‌هایی که برای مورد ویژه تحقیقاتی با همکاری استاد مشاور طراحی می‌شوند.<sup>۱</sup> پس از پایان یک دوره، دانشجو ممکن است باز هم تحصیلات خود را ادامه دهد، یا وارد بازار کار شود که شامل مراکز آموزشی اعم از دبیرستان و دانشگاه است، یا به عنوان پژوهشگر، مشاور، یا مدیر جذب مراکز خصوصی یا دولتی گردد. از آن‌جا که تعداد فارغ‌التحصیلان دوره دکتری چندان زیاد نیست، اکثر آن‌ها جذب مؤسسات آموزش عالی می‌شوند.

علاوه بر دانشگاه‌ها، شوراها، انجمن‌ها، و آکادمی‌هایی هم وجود دارند که به بهبود و افزایش فعالیت‌های علمی و پژوهشی درباره ایران کمک می‌کنند. مهم‌ترین اینها عبارت‌اند از انجمن بین‌المللی مطالعات خاور میانه، که تمام پژوهشگران رشته مطالعات خاور میانه را در بر می‌گیرد و ایران‌شناسان و ایرانیانی که در رشته‌های تخصصی دیگر مربوط به ایران کار

۱. درس‌های فارسی عبارت‌اند از:

PRS 101 -- Elementary Persian I (5 units); PRS 102 -- Elementary Persian II (5 units); PRS 349 -- Classical Persian Literature in English (3 units); PRS 350 -- Contemporary Persian Literature in English (3 units); PRS 401 -- Intermediate Persian I (5 units); PRS 402 -- Intermediate Persian II (5 units); PRS 403 -- Advanced Persian I (3 units); PRS 404 -- Advanced Persian II (3 units); PRS 498 -- Senior Capstone (1-3 units); PRS 499 -- Independent Study (1-6 units); PRS 503 -- Advanced Persian I (3 units); PRS 504 -- Advanced Persian II (3 units); PRS 599 -- Independent Study (1-6 units).

علاوه بر این‌ها تعدادی درس نیز تحت عنوان NES نیز ارائه می‌گردند که عمومی‌ترند اما ایران را هم در بر می‌گیرند. اعم آن‌ها عبارت‌اند از:

History of the Middle East; Modern Middle East; Honors Independent Study; Language and Society in the Middle East and South Asia; Islamic Thought: The Art and Architecture of the Islamic World; Geography of the Middle East; Ethnography of the Middle East; History of the Middle East; History of the Middle East; History of Muslim Societies; Religion and State in Islam; Nomad Warriors; Independent Study; Economic History of the Islamic World; Islamic Mysticism; Women in Islamic History; The Middle Eastern City and Islamic Urbanism; Population and Development in the Middle East; The Middle East in the Twentieth Century; Social, Cultural and Political History of Iranian Plateau: 7th Century - Present; Women in Middle Eastern Society; Special Topics in Near Eastern Studies; Women and the Literature of Identity in Modern Middle East and North Africa; Islamic Law and Society; and Gender Issues and Women's Literature in the Middle East.

و سرانجام این‌که گروه‌های دیگر از قبیل گروه تاریخ یا علوم سیاسی هم درس‌هایی ارائه می‌کنند که مسائل مربوط به ایران را نیز در بر می‌گیرند.

می‌کنند نیز در آن عضویت دارند و از این رو ایران و زبان و ادبیات فارسی بخش عمده‌ای را در این انجمن به خود اختصاص می‌دهد. نشریه این انجمن، فصلنامه بین‌المللی خاورمیانه<sup>۱</sup> نام دارد و مهم‌ترین نشریه مطالعات خاورمیانه به زبان انگلیسی به حساب می‌آید. از این گذشته انجمن‌های دیگری هم هستند که به طور تخصصی در برگیرنده فعالیت‌های مربوط به ایران هستند و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از انجمن ایران‌شناسی<sup>۲</sup> نام برد. نشریه این انجمن نیز به زبان انگلیسی منتشر می‌شود و مطالعات ایرانی<sup>۳</sup> نام دارد. از این‌ها که بگذریم ایران‌شناسان در نشریات تخصصی دیگر رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز اقدام به انتشار مقالات خود می‌کنند.

مطالعات مربوط به ایران، چه در دورانی که منحصراً در گروه‌های مطالعات خاور نزدیک قرار داشت و چه از هنگامی که به بخش‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی راه یافته، چه در زمینه آموزش و چه در حوزه پژوهش، دستاوردهای چشمگیری داشته است. پژوهشگران این رشته در گذشته اغلب امریکایی بودند، اما در حال حاضر ایرانیان یا حتی افرادی از ملیت‌های دیگر ساکن امریکا گنجینه فرآورده‌های تحقیقی آن را به گونه‌ای روزافزون گسترش داده‌اند. آنان کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره رشته‌های مختلف ایران‌شناسی به چاپ رسانده‌اند. دانشگاه‌های مختلف به برپایی کتابخانه‌ها و مجموعه کتاب‌های فارسی اقدام کرده‌اند و علاوه بر کتاب‌های چاپ خارج از کشور، حاصل کار پژوهشگران داخلی نیز به این گنجینه افزوده شده است.

برخی از ایران‌شناسان کتاب‌هایی نوشته‌اند که از آثار بسیار مهم به حساب می‌آیند. برخی از این کتاب‌ها را انتشارات مهم دانشگاهی، که معمولاً در پذیرفتن کتاب بسیار سخت‌گیرند، منتشر کرده‌اند.<sup>۴</sup> از این تعداد ایران‌شناس، شماری انگلیس‌زبان را می‌توان مثال زد که تمام یا بیشتر کارهایشان در امریکا صورت گرفته است: نیکی کدی در تاریخ، ریچارد فرای در مطالعات ایران باستان، و خوان کول در مطالعات شیعه‌شناسی. همزمان با این انگلیسی‌زبانان، بسیاری از ایرانیانی که به ایران‌شناسی روی آورده‌اند نیز در کارهای تحقیقاتی خود پیشرفت‌های شایانی داشته‌اند و اقدام به انتشار کتاب‌هایی

1. *International Journal of Middle Eastern Studies*.

2. *Society for Iranian Studies*.

3. *Iranian Studies*.

۴. در واقع یک از شروط اخذ کرسی دائم در این رشته، مانند تمامی رشته‌های دیگر، انتشار کتاب در انتشارات معتبر دانشگاهی و چاپ مقاله در نشریاتی است که درصد پذیرش مقاله برای چاپ در آن‌ها محدود است و از طریق داوری و رقابت صورت می‌گیرد.



توسط انتشارات معتبر دانشگاهی کرده‌اند.

اما در پی وقوع انقلاب ۱۳۵۷ش و قطع رابطه سیاسی با برخی از کشورهای غربی و دشواری مسافرت به ایران برای دانشجویان امریکایی، و نیز دشواری مسافرت برای پژوهشگران ایرانی به خارج از کشور، آموزش زبان و ادبیات فارسی دچار رکود شد. برخی از دانشگاه‌ها حتی در صدد تعطیل برنامه‌های فارسی برآمدند و برخی دیگر با بازنشسته شدن استاد ادبیات فارسی، از خود برای پرکردن کرسی خالی تمایلی نشان ندادند. در بسیاری از دانشگاه‌ها درس فارسی تنها با همت و پشتکار استادان فارسی و همراه با حمایت دوستانان این زبان و در مواردی با همیاری ایرانیان مقیم آن شهر، به حیات خود ادامه داد. این پشتکاری ایران‌شناسان تنها مربوط به ملزومات حرفه‌ای آن‌ها نبوده است. هر پژوهشگر و استاد جدی پس از مدتی عاشق موضوع کار خود می‌شود، و می‌توان گفت که این موضوع در مورد تمامی کسانی که در رشته‌های مورد بحث ما کار کرده‌اند صادق بوده و هست.<sup>۱</sup> اما در عین حال یک دانشگاه برای این که میلیون‌ها دلار خرج تأسیس و ادامه چنین رشته‌ای کند، بایستی علاوه بر دلایل علمی و پژوهشی و عشق و علاقه استاد، وجود رابطه اقتصادی و فرهنگی بین مردمان دو کشور را نیز در نظر بگیرد. نبود چنین رابطه‌ای همیشه وجود مطالعات منطقه‌ای را محدود می‌کند. از نظر رهبران کشور نیز بایستی تأسیس و ادامه چنین رشته‌هایی توجیه اقتصادی داشته باشد. اهمیت این بحث و مشکلات آن هنگامی روشن می‌گردد که توجه کنیم در خود ایران مطالعات منطقه‌ای بدان صورت وجود ندارد. ایجاد رشته‌هایی مانند امریکاشناسی، اروپاشناسی، و خاورشناسی که در آن‌ها تنها به تدریس ادبیات این کشورها قناعت نگردد، مستلزم داشتن بودجه‌ای هنگفت و انگیزه‌ای والاست. به عبارتی ایجاد و ادامه مطالعات خاور نزدیک به طور کلی، و ایران‌شناسی به طور خاص، در امریکا مانند هر رشته دیگری پرخرج بوده است و با کمک و از خودگذشتگی استادان و حتی دانشجویان آن تاکنون به حیات خود ادامه داده است. چه بسا یکی از راه‌های گسترش فرهنگ ایران و ادبیات فارسی شناخت بهتر و منظم آن جوامع باشد. آیا ما واقعاً شناختی واقعی از جوامع غربی و امریکا داریم که می‌خواهیم ادب و فرهنگ ایرانی را در آن‌جا گسترش دهیم؟

۱. زنده‌یاد دکتر الن لوتر، یکی از استادان من در دانشگاه میشیگان، پس از بازنشستگی و در حالی که با بیماری کشنده سرطان لوزالمعده جلد می‌کرد، برای پنج سال متوالی کلاس‌های درس نظامی گنجوی را در زیرزمین خانه‌اش ادامه داد. او هرگز و در هیچ شرایطی از کمک دریغ نمی‌کرد.

این یک بررسی کلی بود از رشته‌های مربوط به مطالعات ایران که برخی ممکن است آن‌ها را تحت عنوان کلی ایران‌شناسی دسته‌بندی کنند. این بررسی از این نظر لازم بود که ما بتوانیم برخوردی واقع‌بینانه و آینده‌نگر به این رشته‌ها داشته باشیم. ملزومات چنین برخوردی عبارت‌اند از داشتن درک تاریخی و واقعی از روند دگرگونی‌های این رشته تحصیلی، ارزیابی راستین از جایگاه کنونی آن، انجام بررسی در باب کم و کیف تولیدات پژوهشی، و سرانجام شناخت وضعیت انتشاراتی آثار پژوهشی رشته‌های ایران‌شناسی که، ضمن این که وسعت مطالعات ایران‌شناسی را نشان می‌دهند، به درک جایگاه، ملزومات گسترش و تعمیق آن نیز کمک می‌کنند. برای داشتن آینده‌ای بهتر باید در ایران امکانات پژوهشی و آموزشی بیشتری برای پژوهشگران برونمرزی ایجاد شود، به سرعت ترجمه آثار نوشته شده، به منظور استفادۀ ایرانیان از این پژوهش‌ها، اضافه گردد، و سرانجام مؤسساتی برای ارائه کمک هزینه‌های تحصیلی و پژوهشی به وجود آیند. هر چه دسترسی به منابع تحقیقاتی و داده‌های آماری بیشتر باشد، پژوهشگران بیشتر تشویق به کار می‌شوند. تا آن جا که به تشویق دانشجویان به مطالعه در رشته ایران‌شناسی مربوط می‌گردد. اگر کیفیت این رشته افزایش یابد، ارتباط پژوهشی با ایران به طور منظم برقرار گردد، فرصت‌های شغلی در این رشته افزایش یابند، و سرانجام مجادلات آکادمیکی ایران‌شناسی نیز فراگیرتر شود، طبعاً تعداد دانشجویان نیز افزایش می‌یابند. در کنار این‌ها فعالیت‌های ترجمه‌ای، چه از فارسی به انگلیسی، و چه از انگلیسی به فارسی، نیز بایستی افزایش یابد. اخیراً گرایش‌های زیادی برای مطالعه ایران و زبان و ادبیات فارسی به وجود آمده است که از استقبال دانشجویان به ثبت نام در کلاس‌های زبان‌شناسی نمودار است. این گرایش و نیروی‌های تازه در صورت حصول شرایط بالا عملاً به آموزش در رشته‌های ایران‌شناسی روی خواهند آورد. چنانچه این اقدامات صورت نگیرد، می‌توان گفت که آینده ایران‌شناسی چندان روشن نخواهد بود و با توجه به محدودیت‌های مالی، که همواره بر دانشگاه‌ها تحمیل می‌گردند، این آینده حتی می‌تواند در خطر بیفتد.

نکته دیگری که کمتر بدان توجه شده است و برای ایران‌شناسی به طور کلی و آموزش زبان و ادبیات فارسی به طور اخص اهمیت بسیار دارد، بهبود وضعیت مجموعه کتاب‌های فارسی موجود در دانشگاه‌های امریکا است. آینده این مجموعه‌ها بایستی مورد بحث و بررسی جدی قرار گیرد. اهمیت این موضوع از این نظر است که این کتابخانه‌ها امروزه کتاب‌های الکترونیکی را به کتاب‌های چاپی، به خاطر هزینه کمتر نگاهداری ترجیح

می‌دهند. به دیگر سخن، شیوه سنتی نگهداری کتاب در کتابخانه‌ها رو به دگرگونی است. یا بایستی در کوتاه‌مدت کتاب‌های چاپ شده را به رایگان یا نیمه‌رایگان در اختیار این کتابخانه‌ها گذاشت یا بایستی صنعت نشر الکترونیکی را در ایران تقویت کرد.<sup>۱</sup> در برخی از کتابخانه‌ها که خرید کتاب‌های چاپی را به گونه‌ای فعال ادامه می‌دهند گاه با مشکل مالی برای فهرست کردن آن‌ها مواجه می‌گردند. اما این را هم اضافه کنم که این‌ها را نبایستی تنها از دولت‌ها انتظار داشت. در کشورهای غربی به ویژه در امریکا اغلب بخش‌های خصوصی نیز منفعی در سرمایه‌گذاری در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی دارند و این توان‌هاست که بایستی کشف گردند. بیش از یک دهه پیش آرلین دست به ابداع شیوه‌ای برای فهرست کردن کتاب‌های فارسی و عربی زد که بدلیل محدود بودن مشتریانش در دانشگاه‌های امریکا از بهبود و پیشرفت باز ماند.

امروزه این واقعیت دلگرم‌کننده وجود دارد که در دو سه سال گذشته و به دنبال این نتیجه‌گیری که جامعه امریکا احتیاج به شناخت بیشتر سایر فرهنگ‌ها و ملیت‌ها دارد، آموزش زبان‌های خارجی در این کشور جان تازه‌ای گرفته است. البته موارد دیگری هم به رونق دوباره آموزش زبان فارسی کمک کرده‌اند و آن مربوط به توجه و علاقه برخی از نمایندگی‌های فرهنگی ایرانی در امریکا و مؤسسات خیریه است. و سرانجام چنان‌که ذکر شد موجی نوینی از نسل جوان به فراگیری زبان و فرهنگ ایران علاقه نشان می‌دهد. در دانشگاه آریزونا در چهار سال گذشته تعداد دانشجویان فارسی به طور مرتب افزایش یافته است و هر سال تمام کلاس‌های ابتدایی، متوسطه، و پیشرفته برگزار شده‌اند. در برخی مواقع، تعداد دانشجویان کلاس‌های فارسی چندان کمتر از تعداد دانشجویان از کلاس‌های عربی نبوده است.

بسیاری از دانشجویان نیز با هدف فراگیری فرهنگ و هنر ایران در این کلاس‌ها ثبت نام می‌کنند. براساس آماری که با کمک مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه آریزونا در سال ۲۰۰۲ از دانشجویان سال یکم گرفتیم، معلوم شد که ۹۲ درصد آن‌ها درس فارسی را بیش از هر چیز بنا به دلایل شخصی گرفته بودند. آشنایی با فرهنگ ایران، تمایل به مسافرت به ایران، کسب توانایی برای ارتباط با پدر و مادر به زبان فارسی، از جمله دلایلی بود که

۱. تشکیل «هیئت مؤسس مجمع ناشران الکترونیک» در ایران و تصویب قانون دفاع از حقوق پدیدآورندگان نشر الکترونیک در سال ۱۳۷۹ م در مجلس شورای اسلامی، از گام‌های نخستین و مثبت برای پیشرفت در این زمینه هستند.

دانشجویان ذکر کردند. دومین و سومین انگیزه مهم ذکر شده فراگیری زبان خارجی هفتاد درصد، و برنامه‌های دانشگاهی و ادامه تحصیل ۶۶ درصد بودند. حدود ۶۷ درصد از آن‌ها مطمئن بودند که گرفتن درس فارسی را ادامه می‌دهند.<sup>۱</sup> این تحولات و نتایج این آمارگیری‌ها (که ما به طور دائم بدان‌ها نیاز داریم) نشان می‌دهند که زمینه مناسبی برای گسترش آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی فراهم آمده است. این تحولات و این بازار طبیعی زبان بایستی در برنامه‌ریزی‌های آینده - به ویژه آن‌جا که به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فنی مربوط می‌شود - به حساب آیند.

بنابراین برای طولانی‌مدت و برای بهبودی بخشیدن به مطالعات ایران‌شناسی و آموزش فارسی، علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد، وظایف فراوان نوینی بر عهده دست‌اندرکاران هست. این وظایف را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد. ابتدا بایستی در امریکا به یک دسته آمارگیری‌های دقیق و همه‌جانبه دست زد تا اطلاعات موثقی در مورد برنامه‌های موجود، تعداد دانشجویان علاقه‌مند، دلیل علاقه‌مندی آن‌ها و سایر داده‌های مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها به دست آید. سپس بایستی به ایجاد یا کمک به ایجاد یک مرکز آموزش فارسی اقدام کرد که وظیفه آن ارسال دانشجو از امریکا به ایران، برای یادگیری فارسی پیشرفته در متن فرهنگی آن و یا برای انجام تحقیقات باشد؛ وظیفه دیگر آن برنامه تربیت معلم خواهد بود: معلمانی که در چنین برنامه‌ای در ایران آموزش ببینند، قدر مسلم با فرهنگ، هنر، و مذاهب ایران نیز آشنا می‌شوند و از این رهگذر کاردانی آن‌ها افزایش می‌یابد. از کارهای دیگری که چنین مرکزی می‌تواند انجام دهد، ایجاد مدارس تابستانی در خود امریکا است. این‌گونه مدارس در شرایطی که امکان سفر وجود داشته باشد، می‌توانند مشتمل‌تر باشند. چنین مرکزی می‌تواند با تمامی دانشگاه‌های امریکا همکاری کند، اما مستقل از همه آن‌ها باشد، و نیز می‌تواند با همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی دیگر اقدام به تولید مواد آموزشی و آزمونی، به ویژه مواد رایانه‌ای و تارنمایی و کتاب‌های الکترونیکی کند. چنین اقدامی می‌تواند برای آموزش فارسی از راه دور، به ویژه برای کسانی که از دانشگاه‌های عمده دور هستند، بسیار مفید باشد.

۱. اضافه کنم که براساس این آمارگیری ۷۵ درصد دانشجویانی که به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، دانشجوی دوره کارشناسی بودند و بیشتر آن‌ها یا از طریق کتابچه راهنمای دانشگاه یا از زبان دیگران درباره وجود درس فارسی آگاه گشته بودند. این آمار در سال ۲۰۰۲ م گرفته شد و دانشجویان کلاس‌های سال یکم زبان‌های عربی، فارسی، و ترکی در آن شرکت داشتند.

از نکات ذکر شده، دو موضوع نیاز به شرح بیشتری دارند. نسل دوم ایرانیان به گونه روزافزونی به فراگیری زبان فارسی روی آورده است، که این خود زمینه‌ای مناسب برای سرمایه‌گذاری فرهنگی فراهم آورده است. ایرانیان مهاجر در ابتدای ورودشان به خاک آمریکا، مانند هر گروه مهاجر دیگر، سعی در یادگیری زبان و فرهنگ کشور میزبان را داشتند. آنان سعی می‌کردند فرزندان خود را به فراگیری کامل زبان انگلیسی و تطبیق خود با فرهنگ جدید تشویق کنند. از این زاویه برای این پدران و مادران آموزش زبان فارسی به فرزندان اهمیت چندانی نداشت. اما به مرور زمان این گرایش دگرگون شده است. یک بررسی ساده از ثبت‌نام‌کنندگان کلاس‌های فارسی نشان می‌دهد که تعداد بسیاری از دانشجویانی که در دانشگاه‌های عمده آمریکا از جمله آریزونا، میشیگان، واشنگتن، و کالیفرنیا درس فارسی را برداشته‌اند، ایرانی تبار بوده‌اند و دلیل بسیاری از آن‌ها برای این اقدام دلیل فرهنگی و نه دانشگاهی بوده است. این نشان می‌دهد که نسل دوم به نوعی به ریشه‌های فرهنگی‌اش، با تشویق یا بدون تشویق پدر و مادر، وابسته است. اما اکنون ایرانیان نسل دوم احتمالاً به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان در آمریکا یک شهروند خوب بود، در انتخابات شرکت کرد، مالیات را پرداخت، به بازار کار پیوست، به اقتصاد کمک کرد، و در عین حال یک ایرانی نیز باقی ماند. این گرایش را در بین سایر اقلیت‌های آمریکا نیز می‌توان مشاهده کرد.

اما مشاهدات من در طی سال‌ها تدریس و مشاوره نشان می‌دهد که عامل دیگری نیز در روی آوردن این نسل جوان به فرهنگ ایران در بین است و این‌که امروزه دیگر تنها راه ارتباط فرزندان ایرانیان مقیم آمریکا با فرهنگ ایرانی و سرزمین پدری یا مادریشان، تنها اطلاعات پدر و مادر نیست. شبکه جهانی و تارنماهایی که در ایران و بیشتر از آن در خارج از کشور بر پا شده‌اند، با داشتن ذخایر عظیمی از اطلاعات به‌سادگی در دسترس نوجوانان قرار دارند. آنان از این طریق نیز با ایران تماس پیدا کرده، با فرهنگ و موسیقی آن آشنا شده، و گاه به نوعی جمع‌بندی و نظرات مستقل درباره سرزمین مادریشان نیز رسیده‌اند. این جمع‌بندی‌ها لزوماً با عقاید پدر و مادرشان نیز تطابق ندارد. هر چند اهمیت این دگرگونی تنها در کم شدن اقتدار فرهنگی پدر و مادر درباره ایران نیست، بلکه افزایش اهمیت نقش مقوله اطلاع‌رسانی در این روند نیز در خور توجه است.

آگاهی از این عملکرد شبکه جهانی و تارنماهای فرهنگی ما را به اندیشه در مورد نقش فناوری در آینده آموزش و پرورش، از جمله آموزش زبان و ادبیات فارسی، نیز وادار

می‌کند. و من بقیه این نوشتار را به همین مقوله نقش فناوری و شبکه اطلاع‌رسانی در رشته ایران‌شناسی — که تاکنون کمتر مورد بحث قرار گرفته است — اختصاص می‌دهم.

تفکر درباره نقش فناوری نوین در رشته ما نه تنها جنبه فنی بلکه جنبه فلسفی هم دارد و ما را به اندیشیدن به فناوری آموزش شبکه‌ای می‌رساند. منظور از این فناوری صرفاً استفاده از رایانه و نرم‌افزارهایی از قبیل واژه‌نگارهای مختلف نیست؛ این‌ها دیگر بخشی از ابزار کار شده‌اند. لودویگ ادیمک علی‌رغم بازنشستگی‌اش در استفاده از بسیاری از این ابزارها مسلط شده است. یکی از دلایلی که او روزهای تعطیل به دفترش در دانشگاه می‌رود، همین وجود رایانه‌های سریع و چاپگرهای پیشرفته لیزری در آن‌جاست. اما او علی‌رغم عشق بی‌پایانش به رشته ایران‌شناسی و علی‌رغم خواست و نیروی بدنی شگرفش، دیگر در درون آموزش شبکه‌ای نیست و نمی‌تواند باشد. آموزش شبکه‌ای روحیه ویژه‌ای می‌خواهد که بتواند با دانش‌آموزان و دانشجویانی، همانند ایرانیان نسل دوم، ارتباط دوجانبه و از راه دور برقرار کند. استفاده از فناوری برای پشتیبانی از آموزش سنتی هم در این‌جا مورد نظر نیست. آنچه مورد نظر است، در واقع نوعی فناوری است که توانسته است مفهوم نظم سنتی کلاس درس را نیز دگرگون کند، به گونه‌ای که دیگر استاد هم تنها منبع دانش و تنها مرجع در امر آموزش تلقی نمی‌گردد. کلاس درس هم دیگر نقش انحصاری خود را از دست داده است. برای توضیح بیشتر مثالی ارائه می‌کنم. چندی پیش فیلم جالبی را بر روی شبکه مشاهده کردم که سازنده‌اش می‌خواست با آن فارسی‌گفتاری را آموزش دهد. تهیه فیلم نشان از دلسوزی تهیه‌کنندگان می‌داد و باعث دلگرمی بسیار شد. در این فیلم دو جوان، یکی ایرانی و مقیم ایران و دیگر انگلیسی مقیم انگلستان از طریق اتاق گپ (چَت) درباره سفر جوان انگلیسی به ایران با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. ابتدا این را باید گفت که تفکری که به تولید این فیلم منجر شده، جهت‌درستی دارد: تولیدکننده می‌خواهد مطالبی را بدون احتیاج به معلم و کلاس درس به شاگردان بیاموزد. اما از آن‌جا که این دو بازیگر فارسی‌کتابی حرف می‌زنند، این پرسش پیش می‌آید که چرا برای فیلم عنوان آموزش فارسی در گفتار را انتخاب کرده‌اند. ظاهراً تولیدکننده فیلم هنوز نتوانسته است کلاس درس را در جایی جز اتاق دانشگاه متصور شود. چرا که در غیر این صورت آن دو هنرپیشه با یکدیگر به فارسی گفتاری حرف می‌زدند، همان‌طور که در یک اتاق واقعی ممکن است این کار را انجام دهند. در زندگی واقعی هرگز کسی این‌گونه سخن نمی‌گوید، چرا که به گوش شنونده فارسی‌زبان بسیار غریب می‌آید. اما از این مهم‌تر آن‌که در این فیلم رایانه تنها به عنوان وسیله‌ای برای

ارتباط تصویر شده است. به عبارت دیگر از رایانه و نیز از اتاق گپ، که از وسائل ارتباطی بسیار پیشرفته هستند، در خدمت تولید یک محصول ویدئو، که در واقع ابزاری نسبتاً ساده است، استفاده کرده‌اند. به عبارتی، پیام‌های این فیلم از نظر محتوا و نیز از نظر مفهوم بردازی در مورد فناوری، پیام‌هایی هستند که با واقعیت‌های زندگی تناقض دارند. منظور من استفاده این‌گونه از فناوری نیست.

امروز به پدیده‌ها و ابزارهایی نیاز داریم که بتوانند از عناصر فنی گوناگون همزمان برای تولید مواد درسی و آموزشی در تمامی رشته‌های ایران‌شناسی، اعم از زبان فارسی و فرهنگ و هنر ایرانی، استفاده کنند. عناصری که بایستی مورد استفاده همزمان قرار گیرند، عبارت‌اند از مواد شنیداری، مواد دیداری، مواد نوشتاری، نشر الکترونیکی، اینترنت، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای که بتوانند متن و زمینه متن را در آن واحد در دسترس دانشجو قرار دهند، و سخت‌افزارهای چندرسانه‌ای. این چنین پدیده‌هایی هنگامی که به صورت شبکه درآیند، می‌توانند یادگیرنده را، چه با حضور آموزگار و چه در غیاب وی، به کش و واکنش در روند یادگیری وادار کنند. چنانچه به پیشرفت آموزش زبان‌ها و ادبیات اروپایی بر روی شبکه‌های اینترنتی نظری بینکنیم، به بزرگی و دلفی‌فی که در پیش روی داریم پی خواهیم برد. چنین شبکه پیچیده و پیشرفته‌ای است که می‌تواند کار آموزش را ساده و همگانی کند، به‌ویژه هنگامی که کاربرد آن به‌طور نظام‌مند و با اهداف مشخص همراه باشد. قدری بیشتر ببیندیشیم به این شبکه به‌هم پیوسته و کارایی عدلی فناوری‌ای که قرار است نه تنها با اقتصاد بلکه با فرهنگ نیز در ارتباطی خلاق و پر بار باشد. این شبکه در واقع به یک جهان نوین تعلق دارد. از انقلاب صنعتی تا همین اواخر، مر اطلاع‌رسانی تنها در جهانی صورت می‌گرفت که من آن را جهان سخت‌افزارها یا از این پس به‌طور خلاصه «سخت‌جهان» می‌نامم. در سخت‌جهان، آموزگار با استفاده از تخته‌سیاه، گچ، کلاس درس، تسهیلات دانشگاه، و یا حتی رایانه و دیگر رسانه‌ها دانش خود را به شاگردان انتقال می‌دهد و در این روند احیاناً کنش و واکنش‌هایی نیز صورت می‌گیرد. ممکن است همان‌طور که فیلم آموزشی فارسی گفتاری، که در بالا بدان اشاره کردیم، نشان می‌دهد، از دستگاه و نوار ویدئو استفاده شود. در این جهان حتی ممکن است امر یادگیری و یا امر انتقال دانش با کمک یک یادورسانه<sup>۱</sup> و با استفاده از تبادلات الکترونیکی<sup>۲</sup> و یا به‌طور سیار<sup>۳</sup> صورت گیرد.

اما در یکی دو دهه گذشته، ما با جهان دیگری مواجه‌ایم که در آن امر انتقال دانش دچار یک دگرگونی ژرف، کیفی، و بی‌مانند گردیده است. در این جهان روند انتقال دانش، یا به‌طور کلی انتقال اطلاعات، زمان و مکان خاصی ندارد. این روند همیشه و در همه جا از طریق شبکه به‌هم پیوسته و عالمگیری از رایانه‌ها، با سرعتی زیاد، در حال شدن و انجام شدن است. در این جهان بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، و آموزش به‌طور روزافزونی از شبکه‌های فناوری اطلاعات، به‌ویژه از اینترنت، برای تولید، پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات استفاده می‌کنند. سرعت این روند تولید و انتقال بشدت در حال افزایش است. این جهان را من جهان نرم افزارها یا به‌طور خلاصه «نرم‌جهان» می‌نامم. در این جا، و بر خلاف سخت‌جهان، استفاده فراگیر از رایانه باعث شده است که خود شبکه اطلاع‌رسانی، از وسیله آن که شبکه رایانه‌ای است، جدایی‌ناپذیر گردد. در این جهان، تولیدکننده و مصرف‌کننده بسختی قابل تفکیک از یکدیگرند.<sup>۱</sup> هنگامی که ما وارد شبکه‌های این جهان نو شویم از وسیله‌هایی از قبیل کلاس درس و گنج هم اثری نیست. حتی خود رایانه هم ابزار کار تلقی نمی‌شود. از این‌ها گذشته، سلسله‌مراتبی که وجه مشخصه آموزش و پرورش یکسویه در سخت‌جهان بود، در این دنیای جدید وجود ندارد، چرا که روند آموزش و پرورش در این جا چندسویه است. دیگر معلم و شاگرد در دو قطب گوناگون قرار ندارند و یک کل دوگانه محسوب نمی‌شوند. در نرم‌جهان، افرادی از رشته‌های گوناگون در تولید مواد آموزشی، که در واقع سلول‌های حیاتی این جهان را تشکیل می‌دهند، با یکدیگر همکاری می‌کنند، افرادی دیگر این دانش را توزیع می‌کنند، دست آخر افرادی آن را در زمان‌های مختلف و در مکان‌های گوناگون مصرف می‌کنند.<sup>۲</sup> این روندگاه می‌تواند از آن سوی دیگر بازگشت کند. بی‌آن‌که اغراقی در کار باشد، آنچه من در مورد ظهور این جهان نوین می‌گویم، تطابق دارد با گفته‌های کسانی که فکر می‌کنند پیشرفت‌های علوم اطلاع‌رسانی، مایکروالکترونیک، رایانه، و افزایش شبکه‌های فناوری اطلاعات، به‌ویژه بخش اطلاعات از راه دور، باعث شده است که عصر جدیدی در تمدن بشری آغاز گردد، عصری که وجه

۱. پیتمبر پلسانی در مقاله‌ای از این پدیده به عنوان یادگیری شبکه‌ای (Network Learning) یاد می‌کند. نک: Pithamber Polsani, "Network Learning" in Kristof Nyiri. Ed. *Mobile Learning: Essays on Philosophy, Psychology and Education*, Vienna: Passagen Verlag, 2003, 139-150.

۲. باید تفاوت بین یک ماده آموزشی را با یک صفحه تارنمایی بر روی شبکه جهانی اینترنت درک کرد. مواد آموزشی همش فعل و انفعالی و از عمق زیادی برخوردارند، در حالی که صفحات شبکه جهانی اینترنت ممکن است این خاصیت‌ها را نداشته باشند. یک ماده آموزشی می‌تواند از یک صفحه اینترنتی به عنوان وسیله استفاده کند.



مشخصه‌اش دیگر روابط تولیدی سنتی و یا انقلاب صنعتی نیست. امروز، در اقتصاد بازاری،<sup>۱</sup> تولید انبوه وجه مشخصه فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی، و خود فناوری وجه مشخصه تولید انبوه شده است. در نتیجه این تغییرات، مقوله فناوری در بین نیروی‌های مولده، به درجه بالایی از اهمیت رسیده است.<sup>۲</sup> سرمایه‌گذاری در این جهان حتی اگر جزئیات آینده‌اش نامشخص باشد، اجتناب‌ناپذیر است.

سرانجام این را بایستی اضافه کرد که سخت‌جهان بیشتر سیاسی - اقتصادی است و نرم‌جهان بیشتر اقتصادی - فرهنگی. اگر در جهان اول برخی از سیاست‌های کشوری و منافع اقتصادی در گذشته در رونق مطالعات منطقه‌ای مؤثر بود، در نرم‌جهان اقتصاد بازار و نیازهای فرهنگی عوامل مهم‌تری به شمار می‌آیند. برای تضمین یک آینده روشن‌تر، فعالیت در نرم‌جهان برای مطالعات مربوط به ایران اجتناب‌ناپذیر است. آگاهی از این ویژگی در یافتن سرمایه و منابع مالی و حمایتی برای ایجاد پایگاه‌های آموزشی و تولید مواد درسی در نرم‌جهان به ما کمک می‌کند. برخی از کارشناسان حتی اظهار می‌دارند که ایجاد دانشگاه‌های اینترنتی از ضروریات گریزناپذیر است.<sup>۳</sup>

ارائه مثالی در مورد یک ماده آموزشی برای آموزش زبان یا ادبیات فارسی، شاید بتواند برخی از جوانب آموزش و پرورش در نرم‌جهان را روشن‌تر کند. در شبکه‌های آموزشی این جهان، ماده درسی هسته اساسی آموزش را تشکیل می‌دهد. یک ماده درسی بایستی شامل این اجزا باشد: متن خواندنی یا شنیدنی، واژه‌نامه، اطلاعات درباره زمینه‌های تاریخی و فرهنگی متن، اطلاعات درباره سطح دشواری متن، اطلاعات درباره هدف از انتخاب متن، اطلاعات درباره هدف فعالیت‌هایی که برای کار با این متن در نظر گرفته شده، اطلاعات درباره موضوع متن، ترجمه متن، تمرین‌هایی برای زمان پیش از شروع خواندن یا گوش دادن، تمرین‌هایی برای افزایش توانایی‌های زبانی یادگیرنده در طول زمانی که متن را می‌خواند، تمرین‌هایی برای ادامه آموزش پس از خواندن یا شنیدن متن، راهنمایی و

#### 1. Market Economy

۲. بنگرید به

Raafat A. Radwan and Basseem Y. Kassem, "What Science and Technology Policies are needed in the Arab Countries to face the Challenges of Globalization?" in *Arab Development Challenges of the New Millennium*, edited by Beikacem Leebas, England; Burlington: Ashgate, 2002.

۳. در این مورد به مقاله ارزنده و جامع زیر رجوع کنید:

علی اصغر فرامرزیان، «ضرورت آموزش اینترنتی»، آفتاب، ش ۲۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۲ ش، ۷۰-۷۵.

بازخورد برای پاسخ‌های درست و همچنین برای پاسخ‌های اشتباه و رعایت تنوع و سرزندگی در ارائه و ترکیب این اجزا نیز از ملزومات یک ماده آموزشی است. با کنار هم گذاشتن و به هم پیوستن ارگانیک این اجزا است که ما دارای یک ماده آموزشی می‌گردیم. چنانچه این متن تازگی خود را از دست دهد و یا فناوری‌ای اختراع گردد که یادگیرنده را در عمل‌های متقابلش بهتر یاری دهد، این ماده آموزشی بایستی به‌روز گردد. به هم پیوستن این اجزا در سخت‌جهان بسختی انجام می‌گیرد و تازه این زمانی امکان‌پذیر است که استاد جدی باشد و تنبلی هم نکند. اما در نرم‌جهان این کار به آسانی صورت می‌گیرد و افراد زیادی می‌توانند استاد را یاری دهند. از این رو این روند با انتخاب یک متن مناسب آغاز می‌گردد، ولی مراحل گوناگون بسیاری را طی می‌کند تا به دست مصرف‌کننده برسد. اما در عین حال این روند به مصرف ماده آموزشی ختم نمی‌شود، چرا که یادگیرنده نیز شاید بتواند هنگام استفاده از ماده آموزشی، خود نیز اطلاعاتی تولید کند که برای گروه تولیدکننده و گروه نگهداری و تعمیرات مفید باشد. حاصل کار این است که ما فراورده‌ای در دست داریم پر جلوه و درخشان که در عین حال ارزان‌تر هم تمام شده است و برای همگان، در هر زمان و مکانی، قابل دسترسی است.

بنابراین گسترش هر چه بیشتر روند جداسازی سخت‌جهان از نرم‌جهان ما را به اندیشه دربارهٔ قدمت رشته‌های ایران‌شناسی و نو بودن این نرم‌جهان و فاصلهٔ گستردهٔ آن‌ها از یکدیگر و می‌دارد. برای این‌که این فاصلهٔ طولانی را پر کنیم، به تدارکات بسیار و بازاندیشی‌های اساسی در مورد چگونگی تولید، بازتولید، و توزیع دانش نیاز داریم. و با توجه به این‌که امروزه دانش هر چه بیشتر در حوزه‌های چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای تولید و مصرف می‌گردد، و با توجه به این‌که نرم‌جهان در ماهیت خود برای آموزش بسیاری از رشته‌های علمی مناسب است، برنامه‌ریزی‌های آینده برای ایران‌شناسی نیز باید این پیچیدگی‌ها را در نظر داشته باشد. از طرف دیگر روند جهانی شدن اقتصاد و بالا رفتن ارزش دانش نیز عواملی هستند که بر این پیچیدگی‌ها می‌افزایند. البته این هم واقعیتی است که این تدارکات و تمهیدات و حل پیچیدگی‌ها دیگر نه تنها از عهدهٔ استاد لودینگ ادیمک بر نمی‌آید، بلکه هیچ‌کس دیگری هم به تنهایی نمی‌تواند آن‌ها را به انجام برساند. این یک کار گروهی، یک جنبش همگانی، و یک حرکت پویاست.